



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عرض کردیم بحث ادامه نسل آدم یک بحث اختلافی می باشد اما آیت الله طباطبائی اعلی الله مقامه با توجه به جمیع جهات می فرماید بعد از اینکه روایات با هم تعارض دارند باید ببینیم ظاهر آیات قرآن چه دلالتی دارند لذا در تفسیر آیه شریفه: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾<sup>۱</sup> می فرماید؛ اولاً خطاب "ایها الناس" خطاب به همه انسان ها در همه زمانها و مکانها می باشد، ثانیاً کلمه "ربکم" در مورد تکوین و مدیریت و خلقت بکار می رود، ثالثاً "نفس واحده" یعنی خداوند متعال برای همه انسان ها یک هویت و یک ماهیت قرار داده، رابعاً "خلق منها زوجها" حرف "من" در اینجا تبعیضه نیست بلکه نشریه است یعنی از همان جائی که خلقت انسان و آدم نشأت گرفته خلقت حواء نیز از همانجا نشأت گرفته و خمیر وجودی هر دوی آنها انسانیت می باشد، خامساً "وبث منهما رجالا كثيرا و نساء" یعنی از همان خمیر وجودی و ماهیت انسانی که آدم و حواء از آن بوجود آمدند رجال و نساء کثیری در سطح زمین بوجود آمدند.

آیت الله طباطبائی در ادامه دو مطلب بیان می کنند، اول اینکه فکر نکنید در کثرت نسل آدم شخص دیگری در بین بوده و اینکه در بعضی از نقل ها گفته شده خداوند همسر یا ملک یا جن یا حوری برای هابیل و قابیل خلق کرده درست نیست بلکه همه نسل ها از همان آدم و حواء بوجود آمده اند و بعد ایشان می فرماید اشکالی ندارد که ما بگوئیم خواهر و برادر با هم ازدواج کرده بودند.

<sup>۱</sup> سوره نور، آیه ۱.

<sup>۲</sup> المیزان، علامه طباطبائی، ج ۴، ص ۱۳۷.

بخشی از کلام علامه طباطبائی اعلی الله مقامه در مورد تکثیر نسل آدم این است که: «وینفزع علیه امران: أحدهما : أن المراد بقوله : (رجالاً كثيراً ونساءً) أفراد البشر من ذريتهما بلا واسطة أو مع واسطة فكأنه قيل : وبثکم منهما أيها الناس.

وثانیهما : أن الازدواج في الطبقة الأولى بعد آدم وزوجته أعني في أولادهما بلا واسطة إنما وقع بين الإخوة والأخوات (ازدواج البنین بالبنات) إذ الذکور والإناث كانا منحصرين فيهم يومئذ ، ولا ضير فيه فإنه حکم تشريعي راجع إلى الله سبحانه فله أن يبيحه يوما ويحرمه آخر.»<sup>۲</sup>

این تتمه بحث قبلی بود که برای ما از همه جهت روشن شد.

مطلب دیگر اینکه یکی از آقایان نوشته اند که شیخ عطار شهید شده و باید مقام شهید محترم شمرده شود!

قبلاً در مورد صوفیه مفصل بحث کرده ایم و آدرس کتابهایی که در نقد و رد صوفیه نوشته شده را دادیم من جمله اینکه در جلد ۱۳ شرح نوح البلاغه خوئی حدود ۵۰ صفحه در مورد صوفیه مطلب نوشته شده و همچنین مقدس اردبیلی در حدیقة الشیعة مطالب زیادی در مورد صوفیه نوشته شده من جمله اینکه ایشان در صفحه ۵۶۸ تا ۵۶۹ از حدیقة الشیعة می فرماید باید توجه داشته باشیم که صوفیه وحدت وجودی هستند و حلول و اتحاد در مذهب صوفیه برقرار می باشد، حلول یعنی خداوند متعال در وجود انسان ها حلول کرده و اتحاد یعنی اینکه خداوند و مردم متحد هستند، به عبارت دیگر صوفیه همه کس و همه چیز را خدا می دانند تا اینکه می گویند توأم مثل اوئی أنا الحق بگو و بعد به اشعار مولوی اشاره می کند که این اعتقاد در سروده هایش زیاد است، خدا را تشبیه به دریا و مخلوقات را به موج دریا تشبیه می کنند و می گویند موج دریا عین دریاست و مخلوقات خدا نیز عین خدا هستند و این چیزها

در کلمات آنها بسیار زیاد است و همچنین می گویند شیعه و سنی نقل کرده اند که شیخ عطار وقتی گرفتار مغول شد در وقت کشته شدن آن کافر تاتار (همان مغول) که آمده بود او را بکشد گفت تو خدایی که آمدی من را بکشی! کلاه تاتاری بر سر میگذاری و به این صورت خود را به من می نمائی و قصد قتل می کنی گمان داری که من تورا نمی شناسم؟ بکش که هزاران جان من فدای شمشیر تو باید! خلاصه مقدس اردبیلی می فرماید مزخرفات و کفرهایی که این طائفه بی دین و خراب کنندگان شریعت سید المرسلین گفته اند بسیار زیاد است، خب شیخ عطار اینگونه بوده.

تمام صوفیه انحرافات داشته اند مثلاً مولوی اینطور می گوید:

چونکه بی رنگی اسیر رنگ شد / موسی با موسی در جنگ شد / چون به بی رنگی رسی کان داشتی. موسی و فرعون دارند آشتی!...

و یا در جای دیگر اینطور می گوید:

ما همه شیران ولی شیر علم / حمله مان از باد باشد دم به دم / حمله مان پیدا و ناپیداست باد / جان فدای آن که ناپیداست باد...

خلاصه از این انحرافات زیاد دارند و بنده نیز سه الی چهار جلد در مورد انحرافات و بطلان عقائد صوفیه مطلب نوشته ام.

خب و اما اخبار زیادی نیز بر علیه صوفیه داریم من جمله این خبر: ﴿عن البنظري انه قال: قال رجل من أصحابنا للصادق جعفر بن محمد عليه السلام: قد ظهر في هذا الزمان قوم يقال لهم الصوفية فما تقول فيهم؟ قال عليه السلام: أنهم أعداؤنا فمن مال اليهم فهو منهم و يحشر معهم، و سيكون أقوام يدعون حينا و يميلون اليهم و يتشبهون بهم و يلقبون أنفسهم بلقبهم و يأولون أقوالهم، ألا فمن مال اليهم فليس منا و انا منه براء، و من

أنكرهم وردّ عليهم كان كمن جاهد الكفار بين يدي رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم.﴾<sup>۳</sup>.

صاحب وسائل یک کتابی دارد که در آن فقط روایاتی که بر علیه صوفیه داریم را نقل کرده و ما در مورد هیچ فرقه ای به اندازه صوفیه روایت نداریم زیرا آلت دست بنی امیه و بنی عباس بودند و مورد حمایت آنها بودند و آنها برایشان خانقاه درست می کردند و آنها را در مقابل اهل بیت علیهم السلام قرار می دادند تا خودشان بتوانند حکومت کنند خلاصه انحرافات صوفیه در روایات و کلام فقهاء ما کاملاً مشخص است.

میرزای قمی نیز در آخر جامع الشتاة مطالب فراوانی را در مورد انحرافات صوفیه نوشته است.

ملای رومی در شعری می گوید:

آنان که طلبکار خدائید، خدائید / آنان که طلبکار خدائید، خدائید / حاجت به طلب نیست شمائید، شمائید / چیزی که نکردید گم از بحر چه جوئید / کس غیر شما نیست کجائید، کجائید...

از این قبیل اشعار زیاد دارند.

بنده خیلی متأسف شدم که یک شخصی بنام زهراء طالبی کتابی نوشته بنام عرف ستیزی عارفانه و بررسی آن در آراء مولوی و امام خمینی رضوان الله علیه و بعد در آن حرفهای امام رضوان الله علیه را با صوفیه جمع کرده!

صوفیه اولاً چهره آرائی و چهره سازی کرده اند، ثانیاً جعل کلمات کرده اند، علی أي حال این مباحث تتمه بحث قبلی بود که به عرضتان رسید.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ... .

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على  
مُجدو آله الطاهرين

<sup>۳</sup> سفينة البحار، شيخ عباس قمی، ج ۵، ص ۱۹۸، حدیث ۶۸۱۸.